

## تهاتر

### شرط سوم : اتحاد محل تأدیه :

مکان تأدیه دودین باید واحد باشد . هرگاه دو نفر نسبت بهم مدیون شدند با این تفاوت که مثلاً یکی در تهران می‌بایست دین خود را بپردازد و دیگری در اهواز چون ممکن است احتیاج به پول برای هریک از داشتن در شهر موضوع قرارداد جزء رضای معاملی وی باشد و خلل به این شرط موجب اختلال در رضای طرفین که مبنای انعقاد قرارداد بوده است گردد بنابراین ادعای حصول تهاتر در چنین موردی مسموع نیست:

این حکم اگر مطلق گذارده شود قدری ظالمانه است زیرا نفع متصور در اسر تأدیه دین در محل معینی آنقدر مهم نیست که از تأدیه دیون سهمی باین بهانه خودداری شود و تهاتر در آنها امکان پذیر نباشد. بنابراین قانونگذار ایران برای رفع این تقيصه از قانون و بمنظور انطباق آن با انصاف و عدالت در ماده ۲۹۸ قانون مدنی تصریح کرده است :

«اگر فقط محل تأدیه دینین مختلف باشد تهاتر وقتی حاصل میشود که یا تأدیه مخارج مربوط به نقل موضوع قرض از محلی به محل دیگری یا بنحوی از انحاء طرفین حق تأدیه در محل معین را ساقط نمایند .»

چون اسقاط حق تأدیه در محل معین که یکی از حقوق مورد نظر قانونگذار برای ارائه طریقی بمنظور امکان حصول تهاتر است منوط بر رضای طرفین است بنابراین نمیتوان آنرا در ذیل موادی قرارداد که فقط مربوط به تهاتر قهری است .

با توجه باین حقیقت که مقنن ایران نیازی که به بیان مقرراتی برای تهاتر قضائی و تهاتر اختیاری یا تهاتر رضائی احساس نکرده است بیان این مطلب در ماده ۲۹۸ جز بربیک مسامحه از ناحیه مقنن بر امر دیگری قابل توجه نیست اما قرار گرفتن طریق پرداخت مخارج مربوط به نقل موضوع قرض که یکی دیگر از شقوق راهنمایی شده توسط مقنن است در ذیل ماده ۲۹۸ هم محل تأمل و قابل بحث است :

زیرا علاوه بر لزوم رضای طرفین باین امر چون گاهی مخارج نقل و انتقال موضوع قرض که همیشه وجه نقد نیست از محلی به محل دیگر به اعتبار وسایل نقلیه گوناگون یا متصدیان حمل و نقل مختلف ممکن است متفاوت باشد و نزاع در این امر محتاج به نظر قضائی و مداخله کارشناس و اهل خبره است و حل و فصل قضیه اگرچه منتهی به حصول تهاتر شود با نظر قاضی و مداخله مراجع قضائی انجام می‌پذیرد نمیتوان آنرا حصول یک تهاتر قهری و قانونی دانست بلکه از مصادیق تهاتر قضائی است :

حتی با وجود آنکه ماده ۲۹۸ ضمن بحث از تهاتر قهری بیان شده قسمت اخیر

## تهاتر

آنها نمیتوان مجوز الزام احد داینین از طرف قاضی به قبول آن طریقۀ قانونی بمنظور حصول تهاتر فرض کرد.

بنابرااتب فوق ذکر ماده ۲۹۸ از طرف واضعین قانون مدنی ایران با توجه باینکه منظورشان بیان مقرراتی جهت تهاتر قضائی و تهاتر رضائی نبوده ناشی از یک اشتباه قانونگذاری است .

### شرط چهارم اتحاد زمان تأدیه :

برای امکان حصول تهاتر قهری باید زمان تأدیه دو دین هم واحد باشد. ماده ۲۹۶ قانون مدنی ایران در این باره مقرر می دارد :

« تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل میشود که موضوع آنها از یک جنس باشد . با اتحاد زمان و مکان تأدیه ..... » .

لزوم وحدت زمان تأدیه در قانون مدنی فرانسه هم ضمن ماده ۱۲۹۱ آنقانون تصریح گردیده است .

بنابراین هرگاه یکی از دو دین مؤجل باشد تهاتر حاصل نمیشود و بستانکار حق مطالبۀ دین خود را که موقع پرداخت آن رسیده دارد در صورتیکه بدهکاری که بنوبۀ خود او نیز از طرف خویش بستانکار است حق ادعای حصول تهاتر قهری را نخواهد داشت . همانطور که بیان شد تهاتر ادای متقابل دو دین است و موقعی که زمان پرداخت دینی نرسیده باشد تکلیفی برای ادای دین نیست و در اینصورت بهیچوجه نمیتوان بستانکار را بتهاتر مجبور کرد زیرا لازم می آید که بلزم به تأدیه دینی قبل از سر رسیدن آن بشود و در حقیقت مابقی مدت را ضرر کند .

بدیهی است همانطور که در جای خود ثابت شده که اجل معادل و متقابل بانسطی از ثمن معامله است (لاجل قسط من الثمن) مدت هم برای پرداخت هر دینی قابل تقویم بوده و جزء مبلغ و مقدار آن دین است و اخلال بدان موجب زاید و ناقص شدن میزان دین خواهد شد که مجوز قانونی ندارد .

در اینجا لازم است تذکر داده شود که مدت را باعتبار اثر قانونی آن میتوان بدو قسم تقسیم نمود یکی مدت قراردادی « Terme Conventionnel » یعنی مدتی که طرفین ضمن سفته یا سندحاکمی از دین آنرا معین نموده اند و دیگر مدت قضائی « Terme gráce » و آن هنگامی است که مثلاً مدیونی از پرداخت دین خود یکجا و یکدفعه عاجز باشد و از محکمه تقاضای اقساط نماید و قاضی برای پرداخت دیون وی موعد یا مواعیدی معین کند .

در مورد اول یعنی در مدت های قرار دادی هرگاه در اثنای مدت داین بعلت دیگری بدهکار مدیون شود داین نمیتواند نسبت به دین یا اقساطی از دین او که موعدش نرسیده در مقابل بستانکار خود ادعای تهاتر کند و حال آنکه در مورد دوم که محکمه

## تهاتر

از نظر ارفاق نسبت بمدیون اقساطی برای پرداخت دین او معین میکند و در این اثنا داین بدو بدهکار میشود.

در این مورد حصول تهاتر قهری امکان پذیر و از نظر قانونی بلامانع بوده و مدیون نمیتواند به مؤجل بودن دین خود استناد نماید زیرا فلسفه تأجیل بعلت عدم تمکن وی و بلحاظ ارفاق باو بوده و مدیون شدن داین بوی در حقیقت بارزترین دلیل تمکن او است و دیگر مستحق نیست تا از اکرام و ارفاق قضائی و بالتلیجه اقساط معین شده استفاده نماید.

با توجیه نادرستی که از عبارت «..... بنا بر این بمحض اینکه دو نفر در مقابل یکدیگر در آن واحد مدیون شدند.....» مندرج در ماده ۴۹۵ قانون مدنی شده برای بعضی این توهم ایجاد گردیده است که نه تنها زمان تأدیة دودین بلکه زمان حدوث آنها هم باید متحد باشد ولی با توجه به ماده ۲۹۶ قانون مدنی که بوحدت زمان و مکان تأدیة اشاره کرده است و همچنین حکم شماره ۱۳۱ - ۲۳/۱۵ شعبه ۳ دیوان عالی کشور که حاکی است :

« منظور از اتحاد زمان مذکور در ماده ۴۹۶ قانون مدنی متحد بودن تاریخ مدیونیت طرفین نیست بلکه منظور اتحاد زمان تأدیة دین است »  
بطلان این توهم ثابت میگردد.

### شرط پنجم : دو دین باید موجود « Liquides باشد : »

منظور از موجود بودن دو دین اینست که هیچگونه تردید و شبهه ای در اشتغال ذمه مدیونین امکان پذیر نباشد. در قانون مدنی ایران باین شرط تصریح نشده ولی ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی فرانسه آن را مورد تصریح قرار داده است عدم تصریح این شرط از طرف قانونگذار ایران شاید بلحاظ یک با تمام علل زیر بوده است :

اولاً بدهت موضوع ؛ چه اگر یک یا دو دین مورد نزاع باشند طبعاً باید نزد قاضی به کیفیت وجودی آنها رسیدگی بعمل آید و بر فرض وجود حکم تهاتر صادر گردد که در هر حال این تهاتر مصداق تهاتر قضائی (که بعداً شرح آن خواهد آمد) واقع خواهد شد نه تهاتر قهری.

ثانیاً قانون ایران تحت تأثیر عرف و عادت و مخصوصاً ایمان مردم به لزوم ابراء ذمه خویشتن حصول تهاتر قهری را آسان و ساده فرض کرده و نخواسته است قیود و شروط آنرا زیاد نماید بخلاف قانون فرانسه که تحت تأثیر حقوق ناشی از آداب و رسوم Droit Coutumier به تهاتر خوش بین نبوده است.

لوازل « Loysel » حقوقدان معروف فرانسوی اصلی بیان کرده است که :

« هیچ دینی مانع پرداخت دین دیگر نمیشود »  
Une dette n'empêch pas

l'autre»

## تهاتر

زیرا که غالباً مدیون میتواند بسوء نیت ادعای تهاتر را بمنظور فرار از دین بنماید. قانون فرانسه بمنظور رفع اثر سوء نیت احتمالی مدعی تهاتر موجود و منجر بودن دو دین و معین بودن مقدار آنها را از شرایط اساسی حصول تهاتر قهری شمرده است (۱) با وجود مراتب بالا بجزأت میتوان بیان نکردن این شرط را در قانون مدنی ایران از نواقص قانون شمرد زیرا که معنی تحت اللفظی «تهاتر» عبارت از اینست که دو ادعای باطل متقابلاً از طرف دو نفر بر یکدیگر بشود و حال آنکه معنی کلمه‌ای که معادل تهاتر در قانون فرانسه وجود دارد «La compensastion» «جبران» است.

بنا بر این هر گاه باین شرط در قانون فرانسه اشاره‌ای نمیشد بر آن ایرادی نبود زیرا معنی کلمه «جبران» آنقدر بلیغ و رساهست که لزوم آنرا ایجاب کند ولی با معنایی که از کلمه تهاتر در سطور فوق بعرض رسید این لفظ نه تنها نسبت باین معنی نارساست بلکه برای رفع هر گونه توهم و جلوگیری از درک معنای عکس آن تصریح این شرط را ایجاب می نماید.

بهر حال با انکار یا تردید نسبت بوجود یکی از دو دین حصول تهاتر امکان پذیر نیست. انکار یا تردید در وجود دو دین باید جدی و رسمی و موجه و مستدل باشد و گر نه به انکاری که فاقد دلیل و غیره موجه است ترتیب اثر داده نخواهد شد.

منظور از محل نزاع نبودن دین این است که نه فقط دین اصلاً نباید موضوع نزاع باشد بلکه از نظر مبلغ و مقدار هم نباید مورد اختلاف واقع شود چه بدیهی است که نزاع در مقدار دین موجب اختلاف در اصل آن خواهد گردید. ممکن است باین بیان ایراد گرفته و گفته شود هر گاه تهاتر قهری بحکم و قوه قانون خود بخود انجام پذیرد نزاع طرفین در تعیین مقدار و مبلغ دین مؤثر نیست و نسبت بمبلغ یا مقدار کمتر تهاتر قهراً و خود بخود صورت میگیرد.

این ایراد اگرچه از لحاظ ثنوری و بصورت ظاهر صحیح بنظر میرسد ولی جنبه عملی آن فاقد ارزش است زیرا مادام که تمام مشخصات دو دین مسلم و معین نباشد تسویه حساب طرفین انجام نمی پذیرد و بر فرض که تهاتر قهراً صورت گرفته باشد و بر ائت ذمه‌ای هم حاصل گردیده باشد با وجود این قلع ماده نزاع بین طرفین نخواهد شد. مدیون نمیتواند

۱. با وجود مراتب بالا حقوق فرانسه با پیش بینی یک راه قانونی که عبارت از توقیف مدعی به نزد شخص مدیون «Saisie arrêt sur soi-même» باشد منافع شخص مدیون را تأمین کرده و عملاً از توسل به ادعای تهاتر او را مستغنی و بی نیاز ساخته است. فرق توقیف مدعی به و ادعای تهاتر آنستکه در مورد تهاتر باید شرایطی جمع شود که منجمله محل نزاع نبودن دین است و حال آنکه در توقیف مدعی به که دین در آن مورد نزاع است یعنی همان مدعی به است و ثابت نیست مهذا بشرط اخذ حکم «Ordonnance» از قاضی میتوان قیمت آنرا تخمیناً معلوم کرده و معادل آنرا توقیف نمود و این یکی از وسایل علمی جلب اطمینان خاطر شخصی داین بوصول به طلب خویش میباشد.

۲. المنجد چاپ نهم صفحه ۹۳۶: [تهاتر] الرجلان: ادعی علی کل صاحبه باطلا.

## تهاتر

بصرف ادعای مشکوک و مردد اشتغال ذمه دین از پرداخت دین خویشتن خودداری کند یا ازداین متقابلاً دین مجهول مقداری را مطالبه نماید .

در خانمه این قسمت باید متذکر شد که از لزوم اتحادهای متنوع برای حصول تهاتر قهری نباید این توهم حاصل شود که منشاء و سبب وجود دو دین هم باید یکسان باشد که تهاتر امکان پذیر گردد. قانون مدنی ایران برای جلوگیری از این توهم در آخر ماده ۲۹۶ باین حقیقت تصریح کرده و مقرر داشته است که :

**«تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل میشود که موضوع آنها از یک جنس باشد با اتحاد زمان و مکان تأدیه ولو باختلاف سبب»**

بنا بر این اگر سبب ایجاد یک دین مثلاً اجاره بهای ملک و سبب ایجاد دین دیگر قرض موجر از مستأجر باشد تهاتر قهری بین آنها امکان پذیر است و اختلاف سبب مانع تهاتر نیست .

حصول تهاتر قهری پس از اجتماع شرایط اگر چه بطور اتوماتیک و خود بخود بوده احتیاج بمداخله قوه قضائیه یا اراده طرفین ندارد ولی با وجود این در صورتیکه از تهاتر بمنظور دفاع استفاده شود باید ضمن محاکمه بآن استناد کرد نه بعد از صدور حکم .

بنا بر این اگر کسی از دیگری مطالبه طلبی کند که بوسیله تهاتر قهری ساقط شده باشد مدعی علیه باید برای جلوگیری از محکومیت خویش در موقع قانونی دفاع بحصول تهاتر استناد کند و گرنه دادگاه یا بعلت عدم علم بوقوع تهاتر و یا در صورت علم هم بواسطه آنکه از تحصیل دلیل برای متداعیین ممنوع است ممکن است او را بی جهت محکوم بپرداخت دینی که بوسیله تهاتر از آن ابراء ذمه حاصل کرده است بنماید .

**در چه مواردی حصول تهاتر قهری ممکن نیست ؟ :**

در بعضی موارد تهاتر قهری اگر چه جمیع شرایط آنهم جمع باشد حاصل نميگردد که حالات زیر از جمله آن موارد است :

۱ - در مواردیکه اعمال و اجرای تهاتر قهری موجب اخلال به حقوق ثابتة « Droits acquies » اشخاص ثالث است تهاتر حصول نمی یابد. ماده ۲۹۹ قانون مدنی ایران نه تنها این اصل مسلم حقوقی را بیان کرده بلکه مثالی هم بصورت یک فرع حقوقی آورده است. ماده ۲۹۹ میگوید :

**« در مقابل حقوق ثابتة اشخاص ثالث تهاتر مؤثر نخواهد بود و بنا بر این اگر موضوع دین بِنفع شخص ثالثی در نزد مدیون مطابق قانون توقیف شده باشد و مدیون بعد از این توقیف از داین خود طلبکار گردد دیگر نمی تواند باستناد تهاتر از تأدیه مال توقیف شده امتناع کند . »**

توقیف دین بوسیله مقامات صلاحیتدار قضائی یا اجرائی نزد مدیون بِنفع شخص ثالث از مصادیق ایجاد حقوق ثابتة است .

## تهاتر

بنابراین در صورتیکه داین به مدیونی که دین نزد او از طرف مقامات قضائی یا اجرائی بفتح شخص ثالثی توقیف شده است بدهکار شود حق استناد بحصول تهاتر قهری را نخواهد داشت زیرا با چنین استنادی لازم می‌آید که به حقوق ثابتۀ اشخاص ثالث لطمه وارد آید .

همچنین هرگاه بستانکاری معادل مقدار طلب خود را بر بدهکار برات کرد و بدهکار هم آن برات را قبولی نوشت محال علیه حق ندارد بعنوان آنکه سابق بر قبولی نوشتن از برات‌کننده طلبکار بوده یا لاحق بر آن از وی طلبکار شده است از پرداخت مبلغ برات خودداری کند زیرا بمحض قبولی نوشتن حق مکتسبه‌ای برای برات‌گیر ایجاد میشود و محال علیه در مقابل وی مسئولیت پیدا می‌نماید و استناد به تهاتر موجب تخطی به آن حق خواهد بود .

ولی باید دانست در مورد حساب جاری « Compte courant » اگرچه هر قلم از حساب فی‌مابین شاخص حق ثابت یکی از طرفین است ولی معهذ این قاعده صدق نمی‌کند زیرا حساب جاری قابل تفکیک و تجزیه « invisible » نیست و همانطور که اشاره شد آنچه در حساب جاری مورد توجه و منشاء اثر است نتیجه طلب « Solde en actif » و یا نتیجه بدهی « Solde en passif » میباشد .

۲ - هرگاه شخصی مال غیر را غصب کرده غاصب نمیتواند از لحاظ طلبی که سابق بر غصب یا لاحق بر آن از صاحب مال پیدا کرده یا می‌کند استناد بحصول تهاتری قهری نماید زیرا چون طلب او وجه نقد بوده و مال مغصوبه با آن اتحاد جنسی ندارد تهاتر بین آنها امکان پذیر نمی‌باشد مگر آنکه وجه نقدی از او بر باید که این عمل از لحاظ مدنی شاید موجب ابراء ذمه شود ولی طبق بعضی از نظریات قضائی از لحاظ جزائی سرقت و جرم شناخته شده است .

۳ - دین در مقابل مال موضوع ودیعه یا امانت و امثال آن تهاتر نمیشود . زیرا که شرط اصلی در حصول تهاتر قهری وجود دو دین نزد دو نفر مدیون متقابل است و حال آنکه در این مورد نه دو دین موجود است و نه دو مدیون بلکه یک دین و یک مدیون در مقابل یک مال موضوع ودیعه یا امانت و یک مستودع یا امین قرار می‌گیرد .

۴ - در موردیکه پرداخت یکی از دو دین معلق به شرطی باشد تهاتر بین آن دو امکان پذیر نیست زیرا شرط یا به آن درجه از اهمیت است که بدون حصول آن دین تحقق نمی‌یابد و بدیهی است وقتی دینی تحقق نیافته باشد تهاتری نمیتواند مصداق پیدا کند و یا به این پایه از اهمیت نیست که حصول دین بر آن معلق باشد بلکه مثلاً از منتهی شرایط پرداخت دین است که در این صورت باز هم حصول تهاتر قهری میسر نیست زیرا شرط ممکنست قابل تقویم باشد و مثلاً باعتبار تسهیل یا صعوبتی که در راه پرداخت دین ایجاد می‌کند ارزش یکی از دو دین را کم یا زیاد نماید که نزاع در تعیین ارزش شرط موجب عدم امکان حصول تهاتر قهری خواهد گردید .

## تهاتر

### تهاتر قضائی یا تهاتر اختیاری یا تهاتر رضائی :

آنچه در بالا بیان شد مربوط به تهاتر بمعنی اخص یعنی تهاتر قهری یا قانونی می باشد ولی دو نوع تهاتر دیگر وجود دارد که تهاتر قضائی و تهاتر رضائی می توان آنها را نامید :

چنانکه سابقاً اشاره شد قانون ایران فقط تهاتر قهری را بیان کرده و ذکرى از تهاتر قضائى و تهاتر رضائى بىمان نیاورده است ولى با توجه بروح قوانین موضوعه و آزادى افراد معلوم میشود که ایندو نوع تهاتر از نظر قانونگذار مجاز بوده النهایه شاید بعلت بدهت جوازشان مقنن خود را مستغنی از ذکر خصوصیاتى در ذیل مبحث تهاتر دانسته است و باتوجه باینکه ضمن آئین دادرسی مدنى به ادعای تهاتر اشاره شده ( ماده ۲۸۵ ) صحت عقیده فوق تأیید میشود .

در این دونوع تهاتر سه خصوصیت بارز و مشترك جلب توجه می کند :

**خصوصیت اول** آنستکه طرفین این دونوع تهاتر باید واجد اهلیت قانونى یعنی بلوغ و رشد و عقل باشند . زیرا در مورد تهاتر رضائى بدیهى است که رضای شخص فاقد اهلیت منشاء اثر قانونى واقع نمى گردد و همچنین در تهاتر قضائى دعوى شخصى را که اهلیت اقامه دعوى را نداشته باشد در محاکم نمى پذیرند و حال آنکه در تهاتر قهرى این شرط ابدأ ضرورتى ندارد و بمحض حصول شرایط مارالذکر تهاتر قهراً ایجاد میگردد .

**خصوصیت دوم** آنستکه شرایط لازمه برای حصول تهاتر قهرى در این دو مورد ضرورتى ندارد بنابراین اگر دو دین محل نزاع باشند یا وحدت های مذکور در ابتدای مقال در آنها موجود نباشد حصول تهاتر قضائى و یا تهاتر رضائى در آنها امکان پذیر نیست .

**خصوصیت سوم** آنستکه قبل از فرارسیدن موقع تهاتر یعنی پیش از آنکه یکدین یا دو دین ایجاد شود طرفین می توانند آنرا پیش بىنی کرده و مقرراتى برای آن وضع نمایند . قراردادهای تجارتنى تهاترنى بین المللى از این قبیل است زیرا قبل از آنکه صادرات و وارداتى انجام گیرد مقررات تهاتر که تهاتر اختیاری است و گاهى هم منجر به تهاتر قضائى میشود پیش بىنی میگردد .

پس از ذکر این کلیات مربوط به تهاتر قضائى و تهاتر رضائى ذیلا بدکتر هر یک بطور جداگانه و اختصار می پردازد :

### اول - تهاتر قضائى :

تهاتر قضائى « La compensastion judiciaire » در مورد مطالبات فرعى یا دعاوى متقابل « Les demandes reconventionnelles » ایجاد میشود .

مثلا هرگاه موجر از مستأجر مطالبه اجاره بهای یککزمین زراعتى را بکنند و مستأجر مدعى شود که حیوانات موجر زراعت او را لگدمال کرده اند لذا مطالبه خسارات دارد قاضى میتواند میزان خسارات را با نظر کارشناس مربوطه تعیین کرده تهاتر را در دودین معین بین مال الاجاره و خسارات حاصله مجرى دارد .

## تهاتر

تفاوت عمده ای که دعوی تهاتر با دعوی متقابل دارد اینست که دعاوی متقابل باید طی دادخواست علیحده و تشریفات خاصی به محاکم عرضه شوند تا قابل توجه قضائی باشند ولی دعوی تهاتر اگرچه ادعا است ولی از نظر قضائی نظیر دعوی صلح و فسخ و رد خواسته و امثال آن دفاع محسوب گردیده محتاج بدادخواست علیحده نیست. ماده ۲۸۵ قانون آئین دادرسی مدنی در این باره مقرر میدارد :

« دعوی متقابل بموجب دادخواست اقامه میشود لیکن دعوی تهاتر و صلح و فسخ و رد خواسته و امثال آن که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار میشود دعوی متقابل محسوب نبوده و محتاج بدادخواست علیحده نیست » .

بنابراین بعضی ادعای تهاتر قاضی مکلف است به آن رسیدگی کرده و حکم صادر نماید (۱) .

## دوم حکم تهاتر اختیاری یا رضائی :

تراضی طرفین در حصول تهاتر موجب وجود این نوع تهاتر می شود طرفین آزادی تام دارند که هر نوع بخواهند دیون خویش را تأدیه و حسابهای فیما بین را تسویه نمایند. اراده دائنین مقید به حصول شرایط لازمه در تهاتر قهری نیست بنابراین بر فرض که وحدت های لازمه در تهاتر قهری حاصل نشده باشد یا شرایط دیگر آن موجود نباشد صرف اراده و میل طرف موجب تهاتر خواهد شد و استناد به تهاتر رضائی که سابقاً حاصل شده است در صورت اثبات برای طرفین و قضات لازم الرعایه است .

در خاتمه باید متذکر شد همانطور که در ضمن تهاتر قهری بیان شد استناد به حصول تهاتر از هر قبیل در دادگاه لازم است و گرنه قاضی بعلت عدم اطلاع از حصول تهاتر ممکنست حکم پرداخت دینی صادر نماید که محکوم به مستحق دریافت آن نیست .

پرتال جامع علوم انسانی

(۱) حکم شماره ۳۰۵۱ - ۲۳/۱۰/۲۱ شعبه ۷ دیوان عالی کشور .